



اقتصاد فرهنگ و هنر

ویکتور گینز برگ - میشل منگر

ترجمه‌ی علی اعظم محمدبیگی

انتشارات باز

کتاب حاضر که تحت عنوان اقتصاد فرهنگ و هنر به چاپ رسیده است حاصل ترجمه‌ی شش مقاله از میان ۱۴ مقاله‌ی کتاب اقتصاد هنر V.A. Ginsburg and P.M. Menger (editors). Economics of the Arts. North Holland, ۱۹۹۶

است. مقالات دیگر کتاب که به موضوعاتی چون بازار آثار نقاشی کلاسیک، آثار عتیقه و جواهرات می‌پردازد، به دلیل عدم وجود یا اهمیت اندک این بازارها در بخش فرهنگ و هنر ایران و عدم تناسب با موضوعات انسانی در حوزه‌ی اقتصاد فعالیت‌های فرهنگی - هنری در کشور ترجمه نشده است. کتاب تحت شش فصل به این عناوین پرداخته است:

- مناظره اقتصاددانان و موزه‌شناس درباره‌ی کار موزه‌های هنر/ ویلیام دی. گرامپ
- تحلیل فرهنگی - اقتصادی موزه‌ها از دیدگاه یک موزه‌دار بریتانیایی/ پیتر کانن - بروکز
- نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های ویژه: مسیر شتابنده‌ی فرهنگ و هنر به سوی رونق و پیشرفت/ برونو اس. فرای و ایزابل بوژن هارت
- جنبه‌های اقتصادی آموزش هنرمندان/ روت تاووز
- توابع مختلف درآمد هنرمندان/ دیوید تراسبی
- کار و بیمه‌ی بیکاری در هنرهای نمایشی: پدیده‌ی عدم اطمینان در بازار کار هنری/ پی‌یر - میشل منگر و مارک گورگان

نویسنده در مقاله‌ی اول و در مقام یک اقتصاددان، مناظره‌ای فرهنگی میان یک موزه‌شناس و یک اقتصاددان ترتیب داده و با ارزیابی دیدگاه‌های طرفین، به این نتیجه رسیده که موزه‌های هنر براساس معیارهایی که باید در سازمان‌های انتفاعی رعایت شود و انتظار می‌رود سازمان‌های غیرانتفاعی به آن اهمیت دهند، فاقد کارایی است. وی با هدف تبیین رفتار موزه‌داران این فرضیه را مطرح می‌کند که این رفتار با منافع اصحاب حرفه‌ی موزه‌داری مطابقت دارد و مؤید این فرضیه آن است که آنان با کسب درآمد بادآورده مشغول هستند.

در مقاله‌ی دوم و در رویکردی متفاوت از مقاله‌ی نخست، نویسنده به نوعی از اصحاب حرفه‌ی موزه‌داری دفاع می‌کند و معتقد است که گسترش مؤسسات عرضه‌کننده‌ی تفریحات فرهنگی و مؤسسات اندیشه محور و عدم درک جامعه از وظایف موزه، عوامل اغتشاش فکری در تحلیل فرهنگی - اقتصادی کار موزه‌ها است. وی ضمن تحلیل ریشه‌های تاریخی این اغتشاش فکری، با بیان تفاوت‌های اساسی محیط حقوقی و فرهنگی کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی و حقوق مدنی، وضعیت مبهم بسیاری از موزه‌های بریتانیا را به تحلیل می‌کشد.

در مقاله‌ی سوم، نویسندگان پس از ارائه‌ی آمارهایی درباره‌ی برگزاری انواع نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی و هنری ویژه، عوامل اقتصادی گسترش این نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها را بررسی و تشریح کرده‌اند. و در نهایت این گونه نتیجه گرفته‌اند که در آینده برنامه‌های فرهنگی و هنری عادی کاملاً تحت الشعاع نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های ویژه قرار نخواهد گرفت و برخی عوامل، سد راه رشد سریع این نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها می‌شود. در مقاله بعدی، مؤلف سپس ضمن اشاره به غفلت ادبیات اقتصاد و فرهنگ از بررسی آموزش‌های هنری معتقد است تحلیل اقتصادی این آموزش‌ها با دو مسأله یعنی موقعیت و منزلت شغلی هنرمند و نگرانی درباره‌ی مازاد عرضه‌ی کار هنرمندان سروکار دارد. بحث مقاله این است که موقعیت حرفه‌ای هنرمند در درجه‌ی نخست، از مسأله‌ی مازاد عرضه‌ی کار آنها ناشی می‌شود.

نتیجه‌گیری مهم این که علاقه‌مندان به بهبود وضعیت هنرمندان که آن را اغلب از طریق سیاست گسترش کمی و بهبود کیفی آموزش دنبال می‌کنند، قادر به تمیز دادن علت و معلول مسأله‌ی پایین بودن سطح درآمد هنرمندان نیستند، چرا که این مسأله خود از مازاد عرضه کار آنها ناشی می‌شود و آن را نمی‌توان از طریق گسترش آموزش هنر و بالا بردن سطح منحنی تقاضای کار برطرف کرد.

مقاله‌ی پنجم نیز به توابع مختلف درآمد هنرمندان پرداخته و آن گاه در مقاله‌ی پایانی همچون مقاله‌ی پنجم به بحث عرضه‌ی کار هنرمندان اختصاص دارد با این تفاوت که بازار کار هنرمندان نمایشی را مورد بررسی قرار داده است.